

فصلنامه روانشناسی زن

زمستان ۱۳۹۹، دوره ۱، شماره ۴، صفحه‌های ۲۶-۱۵

پیش‌بینی راهبردهای حل تعارض بر اساس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و رضایت جنسی زنان

الهام سعادت‌مند*^۱، نسیم نوری^۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

اصلاح مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

چکیده

مطالعه حاضر با هدف پیش‌بینی راهبردهای حل تعارض زوجین بر اساس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و رضایت جنسی زنان بود. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود که جامعه آماری آن را کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز زوج درمانی تحت پوشش خانه‌های سلامت منطقه یک استان تهران در سال ۱۳۹۷ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۳۱۵ نمونه انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها مقیاس ارزیابی انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی اولسون و دیگران (۱۹۷۸)، مقیاس راهبردهای حل تعارض استراوس و دیگران (۱۹۹۶) و مقیاس رضایت جنسی زنان مستون و تراپنل (۲۰۰۵) بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و رضایت جنسی با راهبردهای حل تعارض رابطه وجود دارد. انسجام متوازن، انسجام به هم تنیده و فرونشانی توانستند مؤلفه اجبار جنسی از راهبردهای حل تعارض را پیش‌بینی کنند. همچنین رضایت جنسی و ارزیابی مجدد مؤلفه پرخاشگری روان‌شناسی از راهبردهای حل تعارض را پیش‌بینی کردند. فرونشانی، رضایت جنسی و ارتباط جنسی توان پیش‌بینی مؤلفه مذاکره راهبردهای حل تعارض را داشتند و انسجام متوازن و ارزیابی مجدد توانستند حمله فیزیکی از راهبردهای حل تعارض را پیش‌بینی کنند. یافته‌های این پژوهش به عنوان راهبردهای پیشگیری و در جهت کمک به حل تعارض زوجین و ارتقا سلامت خانواده می‌توانند مفید واقع شوند.

کلیدواژه‌ها: انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، راهبردهای حل تعارض، رضایت جنسی

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران nazanin6731@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اصلی در جامعه است؛ سلامت یک جامعه به سلامت خانواده‌های آن جامعه بستگی دارد و برای داشتن یک خانواده سالم، اعضای خانواده باید از سلامت روانی^۱ و روابط بین فردی مطلوبی برخوردار باشند (شاکرمی، داورنیا، زهراکار و طلائیان، ۱۳۹۴). اساس شکل‌گیری و رشد خانواده رابطه‌ی زوجین است؛ لازمه‌ی تقویت زندگی خانوادگی، ثبات و دوام آن و نوع نگرش و طرز تعامل زوجین با یکدیگر می‌باشد. اگر زن و شوهر همدیگر را باور داشته باشند و محبت بینشان وجود داشته باشد، کیفیت و ثبات زندگی‌شان رو به فزونی خواهد رفت. این‌گونه از ادراک بین فردی، برآمده از درک عاطفی و روانی است و حاصل نقش‌های مهمی است که هر کدام از زوجین از همان شروع ازدواج بر عهده گرفته‌اند (تورولانریک^۲، ۲۰۱۴)؛ اما در طول رشد رابطه ازدواج، گاهی ممکن است بسیاری عوامل دست به دست یکدیگر داده و با هم ترکیب شوند و موجبات ایجاد بسیاری از مشکلات در زوجین را فراهم سازند که در نهایت به تعارض بی‌انجام (وارینگ^۳، ۲۰۱۳). واقعیت این است که زمانی که دو نفر با یکدیگر ازدواج می‌کنند و به عنوان زوج برای زندگی خود برنامه‌ریزی می‌کنند دارای انتظارات و خواسته‌های متفاوتی هستند که برخی از آنها برآورده می‌شود درحالی‌که برخی دیگر برآورده نشده باقی می‌ماند. این تفاوت در عقاید، ارزش‌ها، نیازها، خواسته‌ها و عادات در زندگی روزمره با در نظر گرفتن اینکه هیچ رابطه انسانی عاری از نزاع و سوءتفاهم نیست امری طبیعی است (تورولانریک، ۲۰۱۴).

تعارض که به عنوان عاملی بین زوج‌های دارای علایق، دیدگاه‌ها و باورهای متضاد در نظر گرفته می‌شود (سرانگ، دیوال و کوهن^۴، ۲۰۱۱)، در روانشناسی و نظریه‌های مربوطه،

از جایگاهی ویژه برخوردار است. تعارض طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است و فرایند حل تعارض شامل مسیرهای متنوعی است که می‌تواند به نتایج سازنده یا مخرب منجر شود (تراویس^۵، ۲۰۰۵). تعارض در روابط صمیمی هنگامی رخ می‌دهد که یکی از زوجها از رابطه زناشویی راضی است و در آن واحد، شخص مقابل در نارضایتی به سر می‌برد (ساداتی، مهرابی‌زاده هنرمند و سودانی، ۱۳۹۳). تعارض زناشویی^۶ به منزله تنوع نیازها و ارزش‌های زوجین است که با بیان احساسات منفی متجلی می‌شود و می‌تواند موقعیتی برای روشن‌سازی و تفسیر انتظارات درباره روابط بین فردی و شریک زندگی برای هر یک از زوجین فراهم آورد (لوف، شگری و قنبری، ۱۳۹۳). ربکا (۲۰۰۸) در تعریف تعارض زناشویی می‌نویسد: تعارض زناشویی معمولاً به صورت کشمکش و تضاد بین زن و شوهر که نشان‌دهنده دل مشغولی‌های متفاوت آنها است بروز می‌کند و از آنجا ناشی می‌شود که یکی از طرفین در صدد دستیابی به هدف دیگری دخالت می‌کند (امین نسب و فرحبخش، ۱۳۹۴). تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، در حالی که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال می‌آورد؛ درمانگران سیستمی تعارض زناشویی را تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت و حذف امتیازات دیگری می‌دانند (بخشی‌پور، ۱۳۹۴)؛ بنابراین تعارضات زناشویی به عنوان یک عامل خطرناک در ایجاد مشکلات زناشویی و اختلال جنسی و یک پیش‌بینی کننده مهم مسائل سازگاری در زوجین می‌باشد (لوف و همکاران، ۱۳۹۳).

زوجین بر اساس آموخته‌ها، تجارب و شناخت‌های زیربنایی خود، دارای سبک‌های خاصی از حل تعارض هستند؛ امروزه رضایت زناشویی در زندگی مشترک، به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های زوجین تبدیل شده است و به دلیل حضور تعارض و چالش در

4. Srong, Devault, & Cohen
5. Travis,
6. marital conflict

1. mental health
2. Tolorunleke
3. Waring

مشخص کننده رضایت زناشویی و خانوادگی می‌داند. انسجام و انعطاف‌پذیری از مؤلفه‌هایی است که سطح سلامت خانواده را نشان می‌دهد (مایرنیکس، وارگا، توس و بگدی، ۲۰۱۰). توافق قابل ملاحظه‌ای بین خانواده درمان‌گران وجود دارد که انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، مهم‌ترین مفهوم برای درک عملکرد خانواده است؛ در سیستم‌های خانوادگی سالم، اعضا روابط عاطفی خوبی با هم دارند، نقش‌ها انعطاف‌پذیرند و افراد با یکدیگر مرتبط هستند، اما در سیستم‌های ناسالم نقش‌ها خشک و متحجرند (موکولو و والستون، ۲۰۱۲).

مطالعه‌های انجام شده نشان داده‌اند حس انسجام، خوش‌بینی ذاتی و شایستگی ادراک شده، به میزان قابل توجهی با بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روان ارتباط دارد (زارع و سامانی، ۱۳۸۷). از سویی دیگر پژوهشگران پیرامون انعطاف‌پذیری خانواده اذعان داشته‌اند انعطاف‌پذیری با هدف‌گذاری خانواده رابطه دارد (یعقوبی و محمدزاده، ۱۳۹۵). کوترا، سیموس، ترلیوا، لیونیس و ویگونتزاس^۸ (۲۰۱۶) نیز نشان دادند انعطاف‌پذیری خانواده بر بیان هیجان‌ها و ظرفیت خانواده تأثیرگذار است. یکی از موضوع‌هایی است که موجب ایجاد تعارض در زوج‌ها می‌شود عدم رضایت جنسی بین آن‌ها است؛ رضایت جنسی به احساس خوشایند فرد از نوع روابط جنسی اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر سطوح بالاتر رضایت جنسی منجر به افزایش کیفیت زندگی زناشویی شده که این منجر به کاهش بی‌ثباتی زناشویی در طی زندگی می‌گردد. رضایت جنسی برای زوجین مهم بوده و یک موضوع فردی تلقی می‌گردد. ارتباط‌های جنسی همسران فرآیندی دوطرفه است که هرگونه اختلال در آن، زمینه جهت بروز مشکلات و متزلزل شدن کانون خانواده است (معصومی، رضائیان و حسینیان، ۱۳۹۶). در این زمینه شاکرمی، زهراکار و محسن‌زاده (۱۳۹۳) نشان دادند می‌توان با اصلاح تحریف‌های شناختی زوج‌ها و ارتقای سطح رضایت جنسی و

زندگی مشترک، گاه در نتیجه بالا گرفتن تعارض، عرصه زندگی مشترک بر هریک از زوجین تنگ می‌شود (یعقوبی و محمدزاده، ۱۳۹۵). اگرچه همه همسران اختلاف و تعارض را در زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند، ولی همه به یک شکل به آن پاسخ نمی‌دهند و راهبردهای حل تعارض متفاوتی را اتخاذ می‌کنند. مارشال، جونز و فاینبرگ^۱ (۲۰۱۱) چهار سبک حل تعارض انطباقی، درگیری در تعارض، حل مثبت مسئله و کناره‌گیری را مطرح کرده است. گاتمن و لونسون^۲ (۲۰۰۰) مدعی هستند حداقل سه سبک متفاوت تعارض‌های زوجین وجود دارد که به پیامدهای موفق زناشویی می‌انجامد. این سه سبک شامل اجتنابی، اعتباربخش و سرزننده است که سبک‌های تنظیم شده نامیده شده‌اند. در سبک‌های تنظیم شده، زوجین رابطه با ثبات‌تر و رضایت بخش‌تری را نسبت به سبک‌های غیر تنظیم شده دارند که این کار به وسیله استفاده از راهبردهایی به منظور رهایی یافتن از تعارض‌های مخرب و درگیر شدن در تعامل‌های مثبت که به طور معناداری بیشتر از تعامل‌های منفی است، صورت می‌گیرد (اولسون^۳، ۱۹۹۸). درک بهتر از پدیده تعارض ممکن است بتواند به بهبود مداخله‌های پیشگیرانه و درمانی در مسائل حساس مثل خشونت بین زوج‌ها کمک کند (گاتمن و لونسون، ۲۰۰۰).

راهبردهای حل تعارض به متغیرهای مختلفی مربوط است و از جمله ویژگی‌هایی که در یک زندگی مشترک وجود دارند، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده است؛ به طوری که کاهش انسجام خانواده و افزایش تعارض بین فردی می‌تواند منجر به کاهش انعطاف‌پذیری خانواده شود (یعقوبی و محمدزاده، ۱۳۹۵). اولسون (۲۰۱۱) در آخرین نسخه مدل چند مختصاتی بر دو بعد کارکرد زناشویی و خانوادگی؛ انسجام^۴ (میزان صمیمیت و پیوند عاطفی بین اعضای خانواده) و انعطاف‌پذیری^۵ (میزان توانایی نظام خانواده برای تغییر در ساختار قدرت، نقش‌ها و قوانین) اشاره می‌کند به طوری که این دو بعد را

5. flexibility

6. Mirnics, Vargha, Tóth, & Bagdy

7. Mukolo, & Wallston

8. Koutra, Simos, Triliva, Lionis, & Vgontzas

1. Marshall, Jones & Feinberg

2. Gottman, & Levenson

3. Olson

4. cohesion

خانواده مقیاس ارزیابی انسجام و سازگاری خانواده^۲ است که بر اساس مدل مدور سیستم‌های خانواده و زوجین ساخته شده است (اولسون، ۲۰۱۱). این پرسشنامه به صورت یک پکیج ۶۲ سؤالی است. ۴۲ ماده آن مربوط به ابزار FACES-IV است که دو زیر مقیاس متوازن انسجام و انعطاف‌پذیری و چهار زیر مقیاس نامتوازن گسسته، به هم تنیده، آشفته و نامنعطف را شامل می‌شود. علاوه بر این دو مقیاس تکمیلی به نام‌های رضایت خانوادگی و تعامل‌های خانوادگی به آن اضافه شده است. در مطالعه مظاهری، حبیبی و عاشوری (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ نمره کل مقیاس FACES-IV و خرده مقیاس‌های انسجام متوازن، انعطاف‌پذیری متوازن، گسسته، به هم تنیده، نامنعطف و آشفته برای پدران به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۶۰، ۰/۷۰، ۰/۶۰ و ۰/۵۸، برای مادران به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۶۹، ۰/۶۹ و ۰/۵۶، و برای فرزندان خانواده به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۷۷، ۰/۶۹، ۰/۷۴، ۰/۵۲ و ۰/۵۵ به دست آمد. بررسی روایی همگرا و واگرا از طریق محاسبه ضریب همبستگی مقیاس FACES-IV با مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس، مقیاس خود گزارشی نوجوانان^۳، شاخص استرس فرزندپروری^۴ و فهرست وقایع زندگی^۵ رضایت‌بخش بود (امینی نسب و فرحبخش، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ است.

۲. مقیاس راهبردهای حل تعارض. راهبردهای حل تعارض^۶ به وسیله استراوس، هامبی، بونی-مک‌کوی و ساگارمن^۷ (۱۹۹۶) ساخته شد و خشونت جسمانی و روان‌شناختی زوجین علیه یکدیگر در ۱۲ ماه گذشته را مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس ۷۸ سؤالی، دربردارنده پنج مقیاس مذاکره، پرخاشگری روان‌شناختی، حمله فیزیکی، اجبار جنسی و صدمه است. مطالعه‌های گوناگون، حاکی از پایایی و اعتبار قابل قبول این آزمون در کشورها و فرهنگ‌های مختلف است؛ در پژوهش

آموزش سبک‌های مناسب حل تعارض به آن‌ها، به حل تعارض‌های آن‌ها کمک نمود. مطالعه‌ها نشان داده‌اند بین انسجام خانواده با ایجاد تعارض‌های زناشویی رابطه وجود دارد؛ به طوری که آموزش انسجام و انعطاف‌پذیری بر تاب‌آوری زنان دارای تعارض زناشویی مؤثر بوده است؛ همچنین انعطاف‌پذیری، انسجام و ارتقاء خود همچنین می‌توانند تعارض زناشویی را تعدیل نمایند (هافمن، متیوس و ایروینگ^۱، ۲۰۱۷؛ توکلی، ۱۳۹۳؛ اسدی، ابوالقاسمی و نیرمانی، ۱۳۹۴). همان‌طور که ملاحظه می‌شود پژوهش‌های اندکی عوامل مرتبط با سبک‌های حل تعارض زوجین را مورد بررسی قرار داده‌اند. علاوه بر این رشد روز افزون آمار طلاق که در نتیجه ناتوانی و عدم دانش زوجین در حل و فصل اختلاف‌ها ایجاد شده است، محقق را بر آن داشته تا به نقش پیش‌بین متغیرهایی همچون انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و رضایت جنسی بپردازد؛ بنابراین در پژوهش حاضر این پرسش مطرح می‌شود که آیا انسجام، انعطاف‌پذیری خانواده و رضایت جنسی، راهبردهای حل تعارض زوجین را پیش‌بینی می‌کند؟

روش پژوهش

جامعه آماری و نمونه‌های پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری زنان مراجعه‌کننده به مراکز زوج درمانی تحت پوشش خانه‌های سلامت منطقه ۱ استان تهران در سال ۱۳۹۷ بود که از روش نمونه‌گیری در دسترس نمونه‌ای به حجم ۳۱۵ نفر انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد. در بخش آمار توصیفی به محاسبه میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

ابزار اندازه‌گیری

۱. مقیاس ارزیابی انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی.

یکی از پر کاربردترین ابزارهای ارزیابی و سنجش کارکرد

5. life event checklist (LE)
6. conflict tactics scales (CTS2)
7. Straus, Hamby, Boney-McCoy, & Sugarman

1. Huffman, Matthews, & Irving
2. family adaptability and cohesion scale (FACES)
3. youth self-report (YSR)
4. parenting stress Index (PSI)

۱۳۹۷). همبستگی بین مقیاس‌های رضایت جنسی با ابعاد مقیاس بدکارکردی جنسی زنان، برای زنان سالم و زنان دارای بدکارکردی جنسی بالا و معنی‌دار به دست آمد. بررسی اعتبار افتراقی نشان داد که ابعاد مقیاس رضایت جنسی زنان همبستگی بالاتری با مقیاس رضایت زناشویی در زنان سالم نسبت به زنان دارای بدکارکردی جنسی دارد (روشن‌چسلی، میرزایی و نیک‌آذین، ۱۳۹۳). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ است.

یافته‌ها

در این پژوهش ۶۶ نفر (۲۱ درصد) از شرکت‌کنندگان در پژوهش در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۶۷ نفر (۵۳ درصد) در محدوده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۸۲ نفر (۲۶ درصد) در محدوده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال قرار داشتند که ۶۷ نفر (۲۱,۳ درصد) از آن‌ها دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۱۶۱ نفر (۵۱,۱ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۷۲ نفر (۲۲,۹ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۱۵ نفر (۴,۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. جدول ۱ خلاصه نتایج شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

نادری، حیدرئی و حسین‌زاده مالکی (۱۳۸۸) در نمونه اعتباریابی و قبل از اجرای مرحله اصلی پژوهش، از روش تنصیف و آلفای کرونباخ به منظور سنجش اعتبار مقیاس استفاده شد که به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ است.

۳. مقیاس رضایت جنسی زنان. این مقیاس به وسیله متسون و تراپنل^۱ در سال ۲۰۰۵ ساخته شد و ابزاری خودگزارشی، پایا، معتبر و چند بعدی بوده و پریشانی و رضایت جنسی زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد (فتحی‌اقدم، حقیقت، دری، ناظری و آجربندیان، ۱۳۹۷). این مقیاس دارای ۳۰ سؤال و مرکب از پنج حوزه شامل رضایت، ارتباط، سازگاری، اضطراب رابطه‌ای و اضطراب شخصی است. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت ۵ گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) است. نمره بالاتر به معنای رضایت بیشتر است. محاسبه اعتبار این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای همه ابعاد (به‌جز بعد ارتباط) بالاتر از ۰/۸۰ به دست آمده است. بالاترین پایایی آزمون- باز آزمون میان زنان با ناکارایی جنسی در حوزه اضطراب رابطه‌ای دیده شد ($F=0/80$) (فتحی‌اقدم و همکاران،

جدول ۱. شاخص‌های آماری مرتبط با متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
گسسته	۱۶/۴۹	۱۹/۳۷	۴/۴	۰/۲۲	-۰/۲۱
انسجام	۲۸/۵۶	۱۴/۲۷	۳/۷۷	-۰/۳۲	-۰/۴۰
خانواده	۲۰/۱۵	۱۹/۸۹	۴/۴۶	-۰/۰۰۱	-۰/۲۷
نامنعطف	۲۱/۷	۱۲/۵۳	۳/۵۴	-۰/۱۱	۰/۱۱
انعطاف‌پذیری متوازن	۲۶/۷۶	۱۷/۳۵	۴/۱۶	-۰/۲۸	-۰/۳۲
خانواده	۱۵/۵۵	۳۱/۹۶	۵/۶۵	۰/۷۶	۰/۶۶
رضایت	۲۳/۰۸	۴۱/۲۰	۶/۴۱	-۰/۹۱	۰/۱۵
رضایت	۲۳/۳۷	۳۱/۰۶	۵/۵۷	-۰/۷۲	۰/۱۱
جنسی	۳۲/۴۲	۲۹/۶۱	۵/۴۴	-۰/۶۶	-۰/۳۸
اضطراب رابطه‌ای	۳۸/۶۴	۳۲/۱۶	۵/۶۷	-۰/۶۷	-۰/۴۰

۰/۱۸-	۰/۸۱-	۵/۸۰	۳۳/۷۲	۴۴/۹۶	اضطراب شخصی	
۰/۳۰-	۰/۳۵-	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۲۹	صدمه	
۰/۳۶-	۰/۲۹-	۳/۲۵	۱۰/۵۷	۵/۲۵	اجبار جنسی	راهبردهای
۰/۹۷-	۰/۲۲-	۰/۵۹	۰/۲۳	۰/۹۳	حمله فیزیکی	حل تعارض
۰/۹۷-	۰/۴۸-	۰/۸۵	۰/۷۳	۱/۵۳	پرخاشگری روان‌شناختی	
۰/۸۲-	۰/۰۹-	۱۱/۱۵	۱۲۴/۵	۲۲/۹۵	مذاکره	

با توجه به نتایج جدول ۱ و از آنجائی که میزان ضریب کجی و ضریب کشیدگی بین ۱ تا ۱- است، می‌توان مطرح نمود که توزیع فوق، مفروضه نرمال بودن را داراست و می‌توان از میانگین به‌عنوان معرف شاخص گرایش مرکزی استفاده نمود و از مدل‌های آمار پارامتریک استفاده به عمل آورد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون جهت ارتباط بین متغیرهای پژوهش

مذاکره	پرخاشگری روان‌شناختی	حمله فیزیکی	اجبار جنسی	صدمه	
۰/۱۰۶-	۰/۱۷۶**	۰/۱۳۴*	۰/۰۲۷	۰/۰۷۶	گسسته
۰/۱۸**	۰/۲۵۱**	۰/۲۴۴**	۰/۰۸۹	۰/۱۲۵*	انسجام متوازن
۰/۰۶-	۰/۱۰۴-	۰/۰۳۰	۰/۱۲۸*	۰/۰۶۲	به هم تنیده
۰/۰۳۹	۰/۰۹۵-	۰/۰۷۷-	۰/۰۰۵-	۰/۰۰۷-	نامنعطف
۰/۱۳۲*	۰/۲۶۸**	۰/۲۰۷**	۰/۰۳۵-	۰/۱۲۹*	انعطاف‌پذیری متوازن
۰/۱۷۷**	۰/۱۵۶**	۰/۱۸۲**	۰/۰۲۴-	۰/۱۱۲*	آشفته
۰/۱۶۶**	۰/۳۵۲**	۰/۲۳۹**	۰/۰۵۲	۰/۰۰۵-	رضایت
۰/۲۸۹**	۰/۲۹۱**	۰/۲۷۱**	۰/۱۱۹*	۰/۰۹۳-	ارتباط
۰/۲۴۷**	۰/۰۳۳**	۰/۲۴۵**	۰/۰۸۴	۰/۰۶۴-	سازگاری
۰/۲۰۱**	۰/۲۱۸**	۰/۱۸۴**	۰/۰۶۳	۰/۰۶۱-	اضطراب رابطه‌ای
۰/۱۷۳**	۰/۲۳۶**	۰/۲۰۱**	۰/۰۷۴	۰/۰۲۹-	اضطراب شخصی

**P < ۰/۰۱ *P < ۰/۰۵

جدول (۳) خلاصه ضرایب رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی راهبردهای حل تعارض بر مبنای انسجام و انعطاف‌پذیری و رضایت جنسی در زنان

Sig	T	Beta	B	Sig	F	R ²	R	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
۰/۰۱	۲/۳۶	۰/۱۸۱	۰/۱۵۶					راهبرد اجبار	انسجام متوازن
۰/۰۴	-۱/۹۷	-۰/۱۲۵	-۰/۰۹۱	۰/۰۰۶	۲/۳۱	۰/۰۹۱	۰/۳۰۲	جنسی	به هم تنیده
۰/۰۰۹	-۲/۶۱	-۰/۱۵۹	-۰/۰۸۴						سرکوبی
۰/۰۰۳	-۲/۹۵۹	-۰/۱۷۳	-۰/۳۱	۰/۰۰۰	۴/۳۶۶	۰/۱۵۹	۰/۳۹۸	راهبرد مذاکره	سرکوبی هیجانی
۰/۰۴	-۱/۹۹	-۰/۱۸۵	-۰/۳۲۱						رضایت جنسی
۰/۰۰۲	۳/۱۲	۰/۲۷۸	۰/۵۵۸						ارتباط جنسی
۰/۰۴	-۲/۰۳	-۰/۱۵۱	-۰/۰۶۴	۰/۰۰۰	۳/۹۷۲	۰/۱۴۶	۰/۳۸۳	حمله فیزیکی	انسجام متوازن
۰/۰۰۲	-۳/۱۴	-۰/۱۸	-۰/۰۴						ارزیابی مجدد
۰/۰۱	-۲/۵۸	-۰/۲۳۵	-۰/۱۶۶					پرخاشگری	رضایت جنسی
۰/۰۰۵	-۲/۸	-۰/۱۵۸	-۰/۰۹۸	۰/۰۰۰	۵/۳۶	۰/۱۸۸	۰/۴۳۴	روان‌شناختی	ارزیابی مجدد

خانواده اساس و شالوده زندگی فردی و اجتماعی است و هسته اصلی خانواده زن و شوهر هستند؛ در حال حاضر که کمک به ازدواج و خانواده به عنوان یکی از نیازهای ضروری جامعه ما قرار گرفته است، تجهیز متخصصان به روش‌های کاربردی و تدوین، آزمایش و انتخاب روش‌های مشاوره و روان‌درمانی منطبق با نیازها و فرهنگ جامعه، مهم و ضروری است؛ بر این اساس پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی راهبردهای حل تعارض زوجین بر اساس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده و رضایت جنسی زنان انجام شد. نتایج نشان داد بین «انسجام متوازن» با راهبردهای «پرخاشگری روان‌شناختی»، «حمله فیزیکی» و «صدمه» و همچنین بین راهبرد «اجبار جنسی» با انسجام «به هم تنیده» رابطه منفی وجود دارد. همچنین بین «انسجام متوازن» با راهبرد «مذاکره» و بین انسجام «گسسته» با راهبردهای «پرخاشگری روان‌شناختی» و «حمله فیزیکی» رابطه مثبت وجود دارد. بین «انعطاف‌پذیری متوازن» با راهبردهای «مذاکره» و «پرخاشگری روان‌شناختی» و بین انعطاف «آشفته» با راهبردهای «صدمه»، «پرخاشگری روان‌شناختی» و «حمله فیزیکی»، نیز رابطه مثبت وجود دارد و بین راهبرد «مذاکره» با انعطاف «آشفته» و «انعطاف‌پذیری متوازن» با راهبردهای «صدمه» و «حمله فیزیکی»، رابطه منفی وجود دارد. از بین خرده مقیاس‌های راهبردهای حل تعارض و رضایت جنسی، ارتباط

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که میزان R² در انسجام متوازن، بهم‌تنیده و سرکوبی در راهبرد اجبار جنسی ۰/۰۹ و در سرکوبی هیجانی، رضایت جنسی و ارتباط جنسی با راهبرد مذاکره ۰/۱۵، در انسجام متوازن و ارزیابی مجدد با حمله فیزیکی ۰/۱۴ و نهایتاً در رضایت جنسی و ارزیابی مجدد با پرخاشگری روان‌شناختی ۰/۱۸ است که نشان می‌دهد به ترتیب ۹، ۱۵، ۱۴ و ۱۸ درصد تغییرات مربوط به راهبرد اجبار جنسی، راهبرد مذاکره، حمله فیزیکی و پرخاشگری روان‌شناختی به متغیرهای پیش‌بین وابسته است. در ادامه نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که انسجام متوازن با ضریب بتای ۰/۱۸، بهم‌تنیده با ضریب بتای ۰/۱۲ و سرکوبی با ضریب بتای ۰/۱۵ توانستند راهبرد اجبار جنسی را پیش‌بینی کنند. سرکوبی هیجانی با ضریب بتای ۰/۱۷، رضایت جنسی با ضریب بتای ۰/۱۸ و ارتباط جنسی با ضریب بتای ۰/۲۷ توانست راهبرد مذاکره را پیش‌بینی کند؛ انسجام متوازن با ضریب بتای ۰/۱۵ و ارزیابی مجدد با ضریب بتای ۰/۱۸ نیز توانست حمله فیزیکی را پیش‌بینی کند؛ همچنین رضایت جنسی با ضریب بتای ۰/۲۳ و ارزیابی مجدد با ضریب بتای ۰/۱۵ توانستند پرخاشگری روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هم انسجام متوازن و هم راهبرد مذاکره به جنبه‌های سالم متغیرهای انسجام خانواده و راهبردهای حل تعارض اشاره دارند. در انسجام متوازن وقتی اعضای خانواده دوست دارند اوقات فراغت را با یکدیگر سپری کنند و علاقه فردی به مشارکت در فعالیت‌های خانوادگی دارند و روابط بین اعضای خانواده با نوعی توازن همراه است، بدیهی است که در هنگام تعارض از راهبردهای مذاکره و گفتگو استفاده کنند (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۴). علاوه بر آن، هم انسجام گسسته و هم راهبردهای پرخاشگری روان‌شناختی و حمله فیزیکی به جنبه‌های ناسالم انسجام خانواده و راهبردهای حل تعارض اشاره دارند. انسجام گسسته به جنبه‌های نامتوازن و مشکل‌دار کارکرد خانواده اشاره دارد؛ مثلاً شامل مواردی می‌شود که اعضای خانواده با افراد خارج از چارچوب خانواده بهتر از یکدیگر کنار می‌آیند، افراد خانواده از ارتباط با یکدیگر اجتناب می‌کنند، اطلاعات کمی از دوستان یکدیگر دارند، هرکسی مجبور است مشکلش را خودش حل کند، بنابراین مذاکره کمی با یکدیگر صورت می‌گیرد تا به حل مسئله بیانجامد. در خانواده‌های دارای انسجام گسسته افراد به ندرت با یکدیگر ارتباط برقرار کرده به هم تکیه می‌کنند (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۳). مجموعه این عوامل منجر به این می‌شود که در هنگام ایجاد تعارض‌های فی‌مابین همدلی کمی با یکدیگر صورت بگیرد، افراد احساس می‌کنند مواضع مشترکی ندارند و در نتیجه به پرخاشگری روان‌شناختی و چه بسا بدنی منجر می‌شود (وارینگ، ۲۰۱۳).

همچنین راهبردهای مذاکره به کارکرد سالم راهبرد حل تعارض و پرخاشگری روان‌شناختی به کارکرد مشکل‌دار راهبرد تعارض مربوط است. انعطاف‌پذیری متوازن در واقع به جنبه‌های متوازن و سالم کارکرد خانواده اشاره دارد و اینکه در مطالعه حاضر بین انعطاف‌پذیری متوازن با راهبرد پرخاشگری روان‌شناختی رابطه مثبت مشاهده شده است با الگوی مدور ترکیبی مطرح شده به وسیله اولسون (۲۰۱۱) ناهمخوان است. این عدم همسویی به تعداد بالای سؤال‌های مقیاس راهبردهای حل تعارض مربوط است که احتمالاً در افراد نمونه خستگی ایجاد کرده و با حوصله به سؤال‌ها پاسخ نداده‌اند؛ اما در تبیین

مثبت معنی‌داری بین راهبرد «اجبار جنسی» با «ارتباط» و راهبرد «مذاکره» با همه خرده مقیاس‌های رضایت جنسی وجود دارد. همچنین ارتباط منفی معنی‌داری بین راهبردهای «پرخاشگری روان‌شناختی» و «حمله فیزیکی» با همه خرده مقیاس‌های رضایت جنسی وجود دارد. نتایج به دست آمده با یافته‌های شاکرمی و همکاران (۱۳۹۳)، اسدی و همکاران (۱۳۹۴)، نادری و همکاران (۱۳۸۸)، هسر و همکاران (۲۰۱۷)، لینگر (۲۰۱۳)، مک‌گویاگان و همکاران (۲۰۱۴) و کریبی و باکوم (۲۰۰۷) همسو و با نتایج پژوهش کوترا و همکاران (۲۰۱۶) و اولسون (۲۰۱۱) ناهمخوان است.

انسجام متوازن به جنبه‌های سالم انسجام خانواده اشاره دارد و راهبردهای پرخاشگری روان‌شناختی، حمله فیزیکی و صدمه به جنبه‌های ناسالم و مشکل‌دار راهبردهای حل تعارض اشاره دارد. منظور از انسجام، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند. در خانواده‌های دارای انسجام متوازن اعضای خانواده با مسائل زندگی هم سر و کار دارند، باهم احساس نزدیکی می‌کنند، از هم حمایت می‌کنند، با هم مشورت می‌کنند و اوقات خود را باهم سپری می‌کنند (یعقوبی و محمدزاده، ۱۳۹۵). بدیهی است خانواده‌هایی که در آن‌ها پرخاشگری وجود دارد و قصد آسیب و صدمه به یکدیگر دارند، جهت‌گیری‌های رفتاری در آن‌ها وجود ندارد. در انسجام به هم تنیده تمایز کمی بین افراد خانواده وجود دارد. افراد مجبورند بیش از حد با یکدیگر وقت بگذرانند و به شدت به یکدیگر وابسته هستند. افراد خانواده احساس می‌کنند بیش از اندازه باهم در ارتباط هستند به طوری که هرگونه روابط خارج از خانواده با محیط بیرون را امری غیرضروری تلقی می‌کنند (امینی‌نسب و فرحبخش، ۱۳۹۴). چنانکه انتظار داریم انسجام به هم تنیده در روابط زوجین نوعی اجبار در حفظ رابطه را طلب می‌کند و به نظر می‌رسد با راهبرد مذاکره اجبار جنسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این ناهمسویی به این علت است که افراد نمونه در زمینه انسجام به هم تنیده مشکلاتی داشته‌اند اما در زمینه مسائل جنسی احساس اجبار به رابطه جنسی ندارند (بخشی‌پور، ۱۳۹۴).

یکدیگر گفتگو صورت می‌گیرد تا راه حلی (هرچند بدیع اما سازگار با موقعیت حل مسئله جدید) برای مشکلات یافت شود (نادری و همکاران، ۱۳۸۸).

در تبیین بخش دیگری از یافته‌ها می‌توان گفت رضایت جنسی مطلوب عبارت است از قضاوت و تحلیل هر فرد، از میزان لذتی که هنگام برقراری رابطه جنسی به وجود می‌آید. رضایت جنسی به صورت رسیدن به مرحله اوج لذت جنسی (ارگاسم) نیز تعریف می‌شود (اولسون، ۲۰۱۱)؛ سطوح بالایی از رضایت جنسی منجر به افزایش کیفیت زندگی ایجاد زناشویی شده و در نتیجه آن افزایش ثبات زناشویی در طی زندگی ایجاد می‌گردد؛ وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند باعث تأمین رضایت طرفین شود نقشی بسیار مهم و اساسی در پایداری کانون خانواده دارد (فتحی‌اقدم و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر آن، رضایت جنسی بر کیفیت پایداری رابطه زوجین اثر می‌گذارد و باعث افزایش حرمت خود، رضایت از زندگی، قابلیت عشق‌ورزی، رضایت از رابطه و رضایت عاطفی و احساس شادی در زندگی می‌شود. رضایت زوجین از رابطه جنسی‌شان یکی از مهم‌ترین ابعاد رضایت زناشویی به حساب می‌آید (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴). ارتباط جنسی نیازهای زیستی و اجتماعی انسان را ارضا می‌کند و در نتیجه کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد. این افزایش کیفیت زندگی می‌تواند، زوجینی را که رضایت و صمیمیت بیشتری در روابط جنسی دارند می‌تواند با یکدیگر روابط عاطفی عمیق‌تری ایجاد کنند و این موجب می‌شود در زندگی مشترک و در برخورد با چالش‌ها و تعارض‌ها با آرامش، به شیوه‌ای منطقی و با استفاده از راهبردهایی همچون مذاکره و گفتگو به حل تعارض پردازند؛ در نتیجه کیفیت زندگی این زوجین افزایش می‌یابد (هسر و همکاران، ۲۰۱۷).

برای استفاده از راهبردهای حل تعارض نیز با توجه به میزان بالا یا پایین بودن کنترل هیجانی، به کارگیری راهبرد حل مسئله و تعارض متفاوت است؛ اما هیچ‌گاه نباید نقش محیط را در ایجاد چنین کنترلی در فرد نادیده گرفت. در کل افرادی که به میزان زیادی از پرخاشگری کلامی و بدنی استفاده می‌کنند و کنترل مناسبی در هنگام عصبانیت یا برخورد با تعارض‌ها از خود نشان

رابطه مثبت معنادار بین انعطاف‌پذیری متوازن با راهبرد مذاکره می‌توان گفت خانواده‌هایی با انعطاف‌پذیری متوازن در هنگام بروز مشکل راه‌هایی جدید را در پیش می‌گیرند، چراکه راه‌حل‌های مسئله در موقعیت‌های قبلی برای موقعیت حل مسئله جدید سودمند نیست. این امر نیازمند انعطاف‌پذیری در پیشنهاد راه‌حل‌های جدید است و نیازمند مذاکره و گفتگو است. در چنین خانواده‌هایی افراد در هنگام بروز مشکل با یکدیگر کنار آمده به جای پرخاشگری با یکدیگر مذاکره می‌کنند (بخشی پور، ۱۳۹۴). خانواده‌های دارای انعطاف آشفته هیچ‌گاه در برنامه‌ریزی‌ها به یک نتیجه مشترک و مورد توافق طرفین نمی‌رسند. در این خانواده‌ها کسی هست که رهبری امور و بحث‌ها به دست گیرد و فقدان چنین فردی موجب می‌شود کارها با سرانجام نرسد (یعقوبی و محمدزاده، ۱۳۹۵). به دلیل عدم وجود رهبری و یا عدم پذیرش نقش رهبری یک فرد از سوی سایر اعضای خانواده وظیفه هر شخص مشخص نیست بنابراین نوعی آشفتگی و بی‌نظمی در خانواده وجود دارد. طبیعتاً در هنگام بروز تعارض‌ها به جای گفتگو دعوا بر سر قدرت است نه اینکه برای حل مشکل گفتگو صورت گیرد. این امر در نهایت به پرخاشگری کلامی و فیزیکی و صدمه به یکدیگر منجر می‌شود؛ بنابراین می‌توان این یافته پژوهشی که بین راهبرد مذاکره با انعطاف آشفته ارتباط منفی معنی‌داری وجود دارد نیز تبیین نمود (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۳).

نتایج همچنین نشان داد ارتباط منفی معنی‌داری بین انعطاف‌پذیری متوازن به عنوان کارکرد سالم انعطاف‌پذیری خانواده با راهبردهای صدمه و حمله فیزیکی به عنوان کارکردهای مشکل‌دار راهبرد تعارض، وجود دارد. انعطاف‌پذیری متوازن به جنبه سالم کارکرد خانواده اشاره دارد و هنگامی است که زوجین هرکدام سهمی برابر در رهبری بر عهده دارند و اصول انضباطی منصفانه در خانواده برقرار است (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۴). در این وضعیت اعضای خانواده توانایی سازگاری با تغییرها و چالش‌ها را دارند، کارها به نوبت و بر اساس نقش‌های روشن و ضابطه‌مند پیش می‌رود و در هنگام بروز مشکل با یکدیگر کنار می‌آیند؛ بنابراین در هنگام بروز تعارض به جای پرخاشگری و حمله کلامی و بدنی با

منابع

اسدی، فاطمه، ابوالقاسمی عباس، نریمانی محمد. (۱۳۹۴). مقایسه انعطاف‌پذیری، انسجام و ارتقاء در زنان با و بدون درگیری زناشویی. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی نادری، فرح، حیدرئی، علیرضا، و حسین زاده مالکی، زینب. (۱۳۸۸). رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه‌های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز، نشریه علمی زن و فرهنگ، ۱(۱): ۲۸-۴۵. امینی نسب، زهرا، و فرحبخش کیومرث. (۱۳۹۴). تأثیر زوج درمانی دلبستگی محور بر بهبود انطباق‌پذیری خانوادگی و کاهش تعارضات زناشویی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۴(۵۴): ۲۵-۴

بخشی‌پور باب اله. (۱۳۹۴). سبک‌های شوخ‌طبعی و تعارض زناشویی در دانشجویان متأهل. پژوهش‌های مشاوره، ۱۴(۵۵): ۲۳-۳۹

توکلی، فرشاد. (۱۳۹۳). رابطه بین انسجام خانواده و تعارضات زناشویی با توجه به نقش واسطه‌ای آن‌ها در زوجین شاغل در آموزش و پرورش راور. دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مرودشت دانشگاه آزاد اسلامی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۹۳

ساداتی، سید احسان، مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز، و سودانی، منصور. (۱۳۹۳). رابطه علی‌تمایز یافتگی، نورزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. دوفصلنامه روانشناسی خانواده، ۱(۲): ۵۵-۶۸

شاکرمی، محمد، داورنیا، رضا، زهراکار، کیانوش، و طلائیان، رضوانه. (۱۳۹۴). اثربخشی زوج درمانی گروهی کوتاه مدت راه حل محور بر بهبود کیفیت روابط زناشویی زنان. مجله علوم پزشکی رازی، ۲۲(۱۳۱): ۱-۱۳

شاکرمی، محمد، زهراکار، کیانوش، و محسن زاده فرشاد. (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی بین تحریف‌های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی. پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۸(۲): ۶۰-۵۱

روشن چسلی، رسول، میرزایی، صدیقه؛ و نیک‌آذین، امیر. (۱۳۹۳). اعتبار و پایایی مقیاس چند بعدی رضایت جنسی

نمی‌دهند و به طور مداوم در مورد افراد مقابل برخورد فیزیکی و پرخاشگری کلامی استفاده می‌کنند به طرف مقابل می‌فهمانند که در مواقع مشابه از این رفتارها برای حل تعارض‌های پیش آمده استفاده نمایند. این حالت طی مرور زمان گسترش یافته و در موقعیت‌های تعارض نمایان می‌شود. یافته‌ها همچنین نشان داد رضایت جنسی با راهبردهای حل تعارض رابطه دارد. زوجینی که پیرامون مسائل جنسی به گفتگو می‌پردازند و در مورد نیازهای هم و شیوه برآوردن آن‌ها با یکدیگر صحبت می‌کنند به تفاهم و رضایت جنسی می‌رسند. این افراد از این شیوه در سایر زمینه‌های زندگی که تعارض برانگیز است، باهم صحبت می‌کنند تا به درک درستی از مسئله و شیوه حل آن برسند؛ بنابراین این رفتار به صورت یک اصل پذیرفته می‌شود که برای هر مسئله مشترکی باید گفتگو کرد و برای آن چاره‌اندیشی نمود. از سویی دیگر چون میل جنسی بسیار قدرتمند است ارضای آن می‌تواند منجر به آرامش روان‌شناختی و سلامت جسمی بیانجامد و فرد با خاطری آسوده می‌تواند در مورد سایر مسائل زندگی به چاره‌اندیشی بپردازد و از راهبردهای سالم تعارض سود ببرد.

سهم نویسندگان

این مقاله برگرفته از طرح پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است؛ مجری طرح سرکار خانم الهام سعادت‌مند نویسنده اول مقاله و استاد راهنما سرکار خانم دکتر نسیم نوری می‌باشند که در فرایند اجرای طرح، استخراج نتایج و تدوین مقاله نظارت و همکاری داشتند.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از کلیه شرکت‌کنندگان که انجام این تحقیق را میسر نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

تعارض منافع

در این پژوهش، هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

- problems. *Clinical psychology & psychotherapy*, 2017, 24(5), 1163-1177.
- Huffman, A. H., Matthews, R. A., & Irving, L. H. Family fairness and cohesion in marital dyads: Mediating processes between work-family conflict and couple psychological distress. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 2017, 90(1), 95-116.
- Lingren M G. Creating sustainable families. Available [http: www. Ianr. Un. Edu/pubs/family/g 1269. Htm](http://www.Ianr.Un.Edu/pubs/family/g1269.Htm), 2013.
- Koutra, K., Simos, P., Triliva, S., Lionis, C., & Vgontzas, A. N. Linking family cohesion and flexibility with expressed emotion, family burden and psychological distress in caregivers of patients with psychosis: A path analytic model. *Psychiatry research*, 2016, 240, 66-75.
- Kirby, J. S., & Baucom, D. H. Treating emotion dysregulation in a couple's context: A pilot study of a couple's skills group intervention. *Journal of marital and family therapy*, 2007, 33(3), 375-391.
- Srong, B., Devault, C., & Cohen, T. F. The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society (11th Ed.), 2011.
- Marshall, A. D., Jones, D. E., & Feinberg, M. E. Enduring vulnerabilities, relationship attributions, and couple conflict: an integrative model of the occurrence and frequency of intimate partner violence. *Journal of Family Psychology*, 2011, 25(5), 709.
- McGuigan, W. M., Vuchinich, S., & Tang, C. Y. Negative Communication Behaviors During Family Problem Solving: Cohesion as a Moderator in a Growth Curve Analysis. *Journal of Family Communication*, 2014, 14(2), 95-111.
- Mirnic, Z., Vargha, A., Tóth, M., & Bagdy, E. Cross-cultural applicability of FACES IV. *Journal of Family Psychotherapy*, 2010, 21(1), 17-33.
- Mukolo, A., & Wallston, K. A. The relationship between positive psychological attributes and psychological well-being in persons with HIV/AIDS. *AIDS and Behavior*, 2012, 16(8), 2374-2381.
- Olson, D.H. Circumplex model of marital & family systems. *Journal of Family Therapy*, 1998, 65, 160-185.
- Olson, D. FACES IV and the circumplex model: Validation study. *Journal of marital and family therapy*, 2011, 37(1), 64-80.
- Rebecca, R. Positive conflict with your adolescent can be healthy and help relationships grow. Kingston: Publisher Youth Services, 2008.
- زنان (SSSW) در نمونه‌ای از زنان ایرانی. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۲(۱): ۱۲۹-۱۴۰.
- زارع، مریم، و سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان خانواده پژوهی، ۱(۴): ۵۴-۶۳.
- لواف، هانیه، شکری، امید، و قنبری، سعید. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مدل‌های ارتباطی زوجین در رابطه بین تعارض زناشویی و مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده دختران. دوفصلنامه روانشناسی خانواده، ۱(۲): ۳-۱۸.
- فتحی اقدم، قربان، حقیقت، شهپر، درّی، سارا، ناظری، نجمه، و آجرندیان، آمنه. (۱۳۹۷). مقایسه رضایتمندی جنسی و تصویر بدنی در زنان مبتلا به سرطان پستان پس از درمان با زنان سالم میانسال: یک مطالعه مقطعی. فصلنامه علمی - پژوهشی بیماری‌های پستان ایران. ۱۱ (۲): ۴۶-۵۵.
- یعقوبی، ابوالقاسم، و محمدزاده، سروه. (۱۳۹۵). تدوین و اعتباریابی پروتکل آموزش دیدگاه‌گیری اجتماعی و اثر آن بر سبک‌های حل تعارض زوجین. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۷(۲۸): ۱۰۳-۱۳۱.
- مظاهری، محمدعلی، حبیبی، مجتبی، و عاشوری، احمد. (۱۳۹۲). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی، ۱۹(۴): ۳۱۴-۳۲۵.
- معصومی، سمیرا، رضاییان، حمید، و حسینیان، سیمین. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت جنسی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین. مطالعات زن و خانواده، ۵(۱): ۷۹-۱۰۱.
- Gottman, J. M. and Levenson, R. W. The timing of divorce: predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 2000, 62(3), 737-745.
- Bani Asadi, H. Khazari Moghadam, N., Syri, Z. Relationship between relationship patterns and conflict solving styles with the role of mediator of sexual satisfaction. Master's thesis, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, 2017.
- Hesser, H., Axelsson, S., Bäcke, V., Engstrand, J., Gustafsson, T., Holmgren, E. & Andersson, G. Preventing intimate partner violence via the Internet: A randomized controlled trial of emotion-regulation and conflict-management training for individuals with aggression

- Straus, M., Hamby, S., Boney-McCoy, S., & Sugarman, D. The revised Conflict Tactics Scales (CTS2): Development and preliminary psychometric data. *Journal of Family Issues*, 1996, 17(3), 283-316
- Travis, T. L. Teaching conflict resolution skills, using computer-based interaction, to atrisk junior high students assigned to a disciplinary alternative education program. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Houston, 2005,
- Tolorunleke, C. A. Causes of marital conflicts amongst couples in Nigeria: Implication for counselling psychologists. *Social and Behavioral Sciences*, 2014, 140, 24-26.
- Tolorunleke, C. A. Causes of marital conflicts amongst couples in Nigeria: Implication for counselling psychologists. *Social and Behavioral Sciences*, 2014, 140, 24-26.
- Waring, E. M. Enhancing marital intimacy through facilitating cognitive self-disclosure. British: Publisher Routledge, 2013.